

بررسی منزلت انبیا و ائمه (ع) از منظر سه فرقه شیعی امامیه، زیدیه، و اسماعیلیه

فاضل گرهنه‌زاده*

محمود قیوم‌زاده**

چکیده

جایگاه پیامبران و ائمه (ع) یکی از مباحث کلامی است که هر یک از فرق شیعه به آن توجه کرده‌اند. بررسی دیدگاه‌های مذاهب شیعه نشان از اختلاف نظر چشمگیر میان آنان در این خصوص دارد. هر یک از فرق شیعی امامیه، اسماعیلیه و زیدیه با تکیه بر روش‌ها و ابزارهای معرفت‌شناسی دینی مقبول نزد خود، دلایل و دیدگاه‌های خویش را ابراز داشته‌اند. امامیه در قالب گرایش‌های عقل‌گرا، نقل‌گرا و عرفانی به استدلال در خصوص این موضوع پرداخته‌اند. زیدیان عمدتاً با نگاهی عقل‌گرایانه کوشیده‌اند این موضوع را تبیین کنند. اما اسماعیلیان با مبنا قراردادن تأویلات باطنی متعرض این بحث شده‌اند. این نوشتار با استناد به منابع اصلی هر یک از فرق، در صدد تبیین دیدگاه فرق شیعی در خصوص مسئله منزلت انبیا و ائمه، و شناسایی نقاط اشتراک و افتراق آنها است.

کلیدواژه‌ها: منزلت انبیا، منزلت ائمه، امامیه، زیدیه، اسماعیلیه، شیعه.

* دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)،

Email.fgarnezadeh@noor.net

** دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.

[تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۱۱]

مقدمه

مطالعه و بررسی دیدگاه‌ها و آرای علمای مذاهب شیعی، اعم از امامیه، زیدیه و اسماعیلیه، نشان از اختلاف نظر فراوان در خصوص منزلت پیامبران و امامان دارد. این اختلاف آرا و نظرها صرفاً منحصر به سه گرایش شیعی یادشده نیست، بلکه به گونه‌ای در میان اندیشمندان و متکلمان عقل‌گرا، نقل‌گرا، فلاسفه و عرفای امامی نیز دیده می‌شود. هر یک از این گروه‌ها آرای خود را درباره این موضوع با اتکا بر روش‌ها و ابزارهای فهم متون دینی پذیرفته‌شده نزد خودشان، ابراز کرده‌اند.

متکلمان عقل‌گرای امامی همواره دیدگاه‌های خویش را بر مدار استدلال‌ها و توجیحات عقلی در شناخت آموزه‌های دینی استوار کرده‌اند. گرچه میان این گروه در میزان اتکا به ادله عقلی و جایگاه نقل تفاوت‌هایی دیده می‌شود (مکدموت، ۱۳۷۲: ۵۱۹) اما همواره عقل نقش مهم و اساسی نزد آنان در تبیین گزاره‌های دینی داشته است. بررسی سخنان و دیدگاه‌های عالمان برجسته این رویکرد فکری این حقیقت را به خوبی آشکار می‌کند.

در کنار گرایش عقل‌گرا در میان متکلمان امامی گروهی نیز با تکیه بر نصوص و ظواهر دینی به تبیین آموزه‌های دین پرداخته‌اند. لذا عمده استدلال‌های کلامی این گروه، که به نص‌گرا مشهورند، مبتنی بر ظواهر آیات و روایات است و استعمال عقل را محدود به توضیح و بیان معانی حدیث می‌دانند (همان: ۴۲۶). در قرون متأخر، این رویکرد فکری در قالب جریان اخباری در میان امامیه ظهور کرد. پیروان این تفکر همواره حدیث معصومان (ع) را تنها راه قابل اعتماد در شناخت دین و علم‌آور دانسته‌اند و برای عقل جایگاه چندانی قائل نیستند (سبحانی، ۱۴۲۵: ۱۵۲/۴؛ مشکور، ۱۳۷۲: ۴۱).

تأویل‌گرایی نیز از جمله رویکردهایی است که در میان امامیه دیده می‌شود. گروهی از عرفا و متصوفه با کنارنهادن قوانین زبان‌شناختی مرتبط با وضع و دلالت الفاظ، برداشت‌های ذوقی خویش را به عنوان لبّ و گوهر دین، ملاک فهم قرآن قرار دادند، و مدلولات ظاهری شرع را به بهانه قشر بودن در بوته نسیان نهادند (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۲۷۰). هرچند سایر گرایش‌ها هم به تأویل توجه داشتند اما می‌توان گفت روش یادشده

بررسی منزلت انبیا و ائمه (ع) از منظر سه فرقه شیعی امامیه، زیدیه، و اسماعیلیه / ۷۱

به دلیل استفاده گسترده عارفان و متصوفه از آن به مثابه شاخصه فکری جریان عرفانی در میان امامیه به شمار می‌آید.

پس از امامیه، زیدیه پرجمعیت‌ترین فرقه شیعی موجود در جهان اسلام است. زیدیان از دیرباز پیوند مستحکمی از جهت فکری و سیاسی با معتزله داشتند تا جایی که برخی فرقه‌نویسان یکی از شاخه‌های زیدیه را معتزله قلمداد کرده‌اند (ملطی، ۱۴۱۳: ۲۸). این ارتباط از آغاز پیدایش دو گروه یادشده تا پایان یافتن نفوذ کلامی معتزله ادامه داشت (عمرجی، ۱۴۲۰: ۲۱۹). زیدیه با پیروی از معتزله، که همواره اصرار می‌ورزیدند خرد به‌تنهایی و بی‌یاری وحی باید بنیادهای دین را کشف کند (مادلونگ، ۱۳۸۱: ۱۳۵)، اساس مسائل کلامی خود را بر استدلال‌های عقلی بنا نهادند و در بسیاری از مسائل اصول دین، به استثنای مسئله امامت، با آنان هم‌داستان شدند (سبحانی، بی‌تا: ۴۳۳/۷). از این‌رو تأثیرپذیری کلام زیدی از کلام معتزله در طول تاریخ را می‌توان واقعیتی انکارناپذیر دانست (صابری، ۱۳۸۸: ۶۵/۲؛ فرمانیان، ۱۳۸۷: ۸۸).

اما اسماعیلیان از آنجایی که به معانی باطنی برای متون دینی عقیده تام داشتند و باطن را برتر از ظاهر می‌دانستند به باطنیه معروف شدند. اسماعیلیه یا باطنیه کسانی هستند که برای معانی باطنی نهفته در پشت ظاهر الفاظ، متون و دستوره‌های دینی بیشترین اهمیت را قائل‌اند. در واقع، باطن‌گرایی شیعی کامل‌ترین صورت تحول خویش را در مذهب اسماعیلی پیدا کرده است (دفتری، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

در این نوشتار کوشیده‌ایم دیدگاه امامیه در خصوص منزلت پیامبران و ائمه (ع) را در قالب سه جریان عقل‌گرا، نقل‌گرا و عرفانی بکاویم. همچنین، به آرای کلامی غالب در دو مذهب دیگر، یعنی زیدیه و اسماعیلیه، نیز اشاره کرده‌ایم.

۱. منزلت انبیا از نگاه امامیه

مباحث منزلت انبیا و ائمه در کلام اسلامی عمدتاً تحت عناوینی همچون تفاضل میان انبیا و ملائکه، تفاضل میان انبیا و رسول اکرم (ص)، تفاضل میان انبیا و اولیا یا ائمه مطرح است. این ترتیب غالباً در کتب کلامی، که متعرض این بحث شده‌اند، رعایت شده است. از این‌رو در اینجا ابتدا مسئله تفاضل میان انبیا و ملائکه و سپس

تفاضل میان انبیا یا به تعبیر دیگر تفاضل میان انبیا و خاتم النبیین (ص) را بررسی می‌کنیم و به دنبال آن متعرض بحث منزلت ائمه (ع) خواهیم شد.

۱.۱. تفاضل میان انبیا و ملائکه

در بررسی دیدگاه امامیان در این خصوص با سه رویکرد کلامی عقل‌گرایان، نقل‌گرایان و عرفا مواجهیم. هر یک از این سه رویکرد، همان‌گونه که خواهد آمد، قائل به برتری پیامبران بر سایر مخلوقات هستند و به افضلیت پیامبر اکرم (ص) بر سایر انبیا و رسل اذعان کرده‌اند. تنها چیزی که در اینجا مهم به نظر می‌رسد دلایلی است که هر یک از این گرایش‌ها به آن تمسک جسته‌اند.

رویکرد عقل‌گرای امامی در قالب مکاتب کلامی عقل‌گرا از مکتب کلامی کوفه آغاز شده و در پی آن نوبختیان با توجه به فلسفه، مکتب کلامی فلسفی و عقلی را بنا نهادند (ابن‌نوبخت، ۱۴۱۳: ۱۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۶: ۱۲). در قرن چهارم شیخ مفید، که گفته می‌شود به واسطه چند تن از استادانش با نوبختیان در ارتباط بوده است (مکدرموت، ۱۳۷۲: ۱۶)، مکتب کلامی بغداد را با رویکردی عقل‌گرایانه بنا نهاد. این مکتب بعد از شیخ مفید با وجود شاگردان وی، مانند سید مرتضی و شیخ طوسی، استمرار یافت (سبحانی، بی‌تا: ۷۴۶/۶؛ مادلونگ، ۱۳۸۱: ۱۳۵). در دوره‌های بعد گرایش عقل‌گرای امامی پس از مکتب بغداد را باید در مکتب حله به رهبری علامه حلی، که تحت تعلیم خواجه نصیر قرار داشت، جست‌وجو کرد (حلی، ۱۳۷۶: ۳۵).

نوبختیان در تبیین جایگاه انبیا عمدتاً با تکیه بر ادله عقلی، به برتری انبیا بر ملائکه توجه کرده‌اند. آنان معتقد بودند انبیا به دلیل شرف رسالت و مشقتی که در به انجام رساندن تکالیف داشتند از ملائکه برترند (حلی، ۱۳۶۳: ۱۸۸). در واقع، این نگاه متأثر از باوری است که نبوت را امری استحقاقی می‌داند. بنا بر تفضلی دانستن مقام نبوت، دیگر جایی برای استدلال عقلی درباره منزلت انبیا باقی نمی‌ماند؛ چراکه مسئله تفاضل انبیا، فرع بر ثبوت و چگونگی دریافت این مقام است. به همین دلیل است که شیخ مفید، گرچه در تبیین آموزه‌های دینی توجه بسیاری به عقل داشته تا جایی که برخی وی را به شکلی جدی متأثر از معتزله معرفی کرده‌اند (مکدرموت، ۱۳۷۲: ۵۲۱)، اما در این خصوص،

بررسی منزلت انبیا و ائمه (ع) از منظر سه فرقه شیعی امامیه، زیدیه، و اسماعیلیه / ۷۳

یعنی مفاضله میان انبیا و ملائکه، خلاف رأی معتزلیان، که برخی از آنان ملائکه را برتر دانسته‌اند و برخی دیگر در این امر توقف کرده‌اند، اتفاق و اجماع امامیه را بر افضلیت انبیا مطرح کرده است (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۵۰).

سید مرتضی نیز، مانند استاد خویش، اجماع امامیه را دلیل بر افضلیت پیامبران بر ملائکه به شمار آورده و معتقد است چنین اجماعی در هر عصری خالی از قول معصوم نیست (مرتضی، ۱۴۰۵: ۲۸۴/۱). وی در جایی دیگر، با استناد به آیه ۳۴ سوره بقره، امر به سجده کردن ملائکه برای آدم را نشانه علو قدر و منزلت او بر ملائکه می‌داند. لازمه چنین تفسیری از نگاه سید مرتضی برتری بخشیدن تمام انبیا بر تمام ملائکه است (همو، ۱۹۹۸: ۳۳۳/۲). البته سید مرتضی ضمن اینکه شبهات معتزله را در تفضیل ملائکه بر انبیا پاسخ داده است برخی ادله امامیه (گویا نوبختیان) برای اثبات برتری انبیا بر ملائکه را وافی نمی‌داند و نقد می‌کند. وی استدلال به مسئله کثرت مشقت انبیا در طاعت را با هدف برتری بخشیدن به آنان قابل اعتماد و کافی نمی‌داند؛ چراکه از نظر او ملائکه نیز مانند انبیا مأمور به تکلیف هستند و به‌ناچار باید مشقتی برای آنها در انجام دادن تکالیف حاصل شود، در غیر این صورت، استحقاق ثواب بر اطاعتشان معنا نخواهد داشت (همان: ۳۳۵). ضمن اینکه این پرسش مطرح می‌شود که چگونه با عقل می‌توان دریافت کرد که مشقت انبیا در به جا آوردن فرمان‌های الهی بیش از ملائکه است (همو، ۱۴۰۵: ۱۱۰/۱). وی در پاسخ به پرسشی، زیادتی ثواب را که در این مسئله مطرح شده است، خارج از استدلال‌های عقل می‌داند؛ چراکه کثرت و کمی ثواب تابع اعمال است و فقط خداوند است که بر آن آگاه است. در واقع، سمع (نقل) متکفل بیان این امر خواهد بود (همان: ۱۰۹).

شیخ طوسی با مطرح کردن این موضوع که نبوت پیامبر اکرم (ص) قطعاً ثابت شده است، نتیجه می‌گیرد که هر سخن و اخباری از ایشان باید پذیرفته شود و اخبار آن حضرت مبنی بر افضلیت خود بر سایر انبیا را باید دلیل محکمی بر این مسئله دانست (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۴۸). اما نصیرالدین طوسی، که می‌توان وی را مطرح‌کننده نظام کلام فلسفی در عقاید شیعه دانست، دلیل افضلیت پیامبر (ص) و پیامبران را وجود قوه ضد قوه عقل در ایشان می‌داند که ملائکه فاقد این ویژگی هستند (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۰۷).

۲۱۹). از این رو پیامبران به دلیل ریاضت مجاهده و مخالفت با نفس به افضلیت رسیده‌اند. در واقع، کمال با وجود مانع همواره برتر از کمال بدون وجود مانع است (استرآبادی، ۱۳۸۲: ۶۵/۳).

علامه حلی با تأسی به نوبختیان، که مشقت و رسالت را توأمأ سبب برتری دانسته‌اند، به این مسئله پرداخته است. او با رد استشهاد مخالفان تفضیل انبیا به برخی آیات قرآن کریم، آیه ۳۳ سوره آل عمران را، که به اصطغای آدم و ... اشاره دارد، دلیل محکمی بر برتری انبیا می‌داند (حلی، ۱۳۶۳: ۱۸۸).

متکلمان نقل‌گرای امامی در خصوص منزلت پیامبران مانند سایر معارف دین، با استعانت از نصوص و ظواهر آیات و روایات دیدگاه‌های خود را بیان کرده‌اند. شیخ صدوق، از مشهورترین عالمان نقل‌گرا که به مکتب کلامی حدیث‌گرای قم و ری تعلق دارد، در کتاب **الاعتقادات** خویش با استدلال به آیه ۳۰ سوره بقره، که در آن سخن از خلیفه قراردادن آدم به میان آمده، قول ملائکه را تمنا و آرزوی آنان در داشتن منزلت آدم دانسته است. او این امر را نشان از علو منزلت آدم برشمرده است؛ چراکه ملائکه منزلتی را خواهان نبودند مگر اینکه افزون‌تر از منزلتشان بوده باشد. در واقع، پس از ثابت شدن برتری آدم بر ملائکه است که خداوند متعال فرمان سجود برای او را داده است (صدوق، ۱۴۱۴: ۸۹). در نهایت، وی معتقد است تفاوت خلقی ملائکه و پیامبران، از جمله اینکه ملائکه مخلوقاتی روحانی هستند که از لذایذ و آلام مادی برخوردار نیستند و ...، موجب شده است انبیا **عاقبة الامر** احوالی برتر از آنان داشته باشند (همان: ۹۱). شایان ذکر است که این استدلال شیخ صدوق بی‌شبهت به استدلال عقل‌گرایان در تفضیل انبیا بر ملائکه نیست.

در میان اندیشمندان امامی عرفا جایگاه ویژه‌ای برای تأویل متون دینی قائل شده‌اند. از این رو همواره در تبیین معارف دین با وجود توجه به ظواهر، بیش از هر چیز به تأویل روی آورده‌اند. سید حیدر آملی از عرفای برجسته امامیه، اساساً انسان را برترین مخلوقات و حتی برتر از تمام ملائکه می‌داند. البته از سخنان وی برمی‌آید که مرادش از انسان، انسان کامل است (آملی، ۱۴۲۲: ۱۶۶/۳). از این رو پیامبران، که به واسطه کمال نفس به مرتبه نبوت رسیده‌اند و سرآمد انسان‌ها هستند، از این منظر برتر از ملائکه به شمار

بررسی منزلت انبیا و ائمه (ع) از منظر سه فرقه شیعی امامیه، زیدیه، و اسماعیلیه / ۷۵

می‌آیند. شایان ذکر است که هرچند عرفا به مجاهده در ارتقای مقام انسان نقشی اساسی داده‌اند، اما سید حیدر آملی در خصوص نبوت و مسائل مربوط به آن برای تفضل اهمیت بیشتری قائل شده است.

ملاحظه می‌شود که تمام امامیان بر افضلیت انبیا از ملائکه اتفاق نظر دارند. تنها اختلاف موجود در ادله‌ای است که اقامه کرده‌اند. به نظر می‌رسد منشأ اختلاف یادشده را باید در استحقاقی یا تفضلی بودن مقام نبوت از منظر هر کدام از آنان جست‌وجو کرد. غالب علمای امامیه نبوت را تفضلی از جانب خدا می‌دانند، اما گروهی دیگر، مانند نوبختیان، رسیدن به این مقام را نتیجه استحقاق دانسته‌اند (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۶۳). بر این اساس، کسانی که مبنای نبوت را تفضل الهی می‌دانند معتقدند حصول مرتبه نبوت متوقف بر عمل و مجاهده نیست، گرچه این مرتبه برای بیشتر آنان بعد از مجاهده بوده است اما کمال آنان چیزی جز عطای محض و انعامی خاص نبوده است (آملی، ۱۴۲۲: ۵۳/۲). لذا برتری انبیا بر ملائکه نیز بر همین اساس توجیه‌شدنی است. در این نگاه، آنچه خداوند به بنده ارزانی می‌دارد، از جمله پاداش اخروی او، نیز بیشتر بر اساس تفضل قلمداد شده است (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۱۱۱). در مقابل، عقل‌گرایان نوبختی قرار دارند که مقام نبوت را نتیجه استحقاق و شایستگی آنان دانسته‌اند. لذا در تبیین منزلت انبیا از شایستگی و استحقاق آنان، که در سایه اعمال مشقت‌آمیز حاصل شده، غفلت نورزیده‌اند و آن را دلیل افضلیت دانسته‌اند. بر همین اساس است که سید مرتضی گرچه در طیف عقل‌گرایان امامی قرار دارد، اما چون نبوت را تفضلی از جانب خدا دانسته است (مرتضی، ۱۴۱۰: ۶۸/۳) استدلال به مشقت در طاعت در موضوع افضلیت پیامبران را نقد کرده است، که پیش‌تر به آن اشاره شد.

۱.۲. تفاضل میان پیامبران

تفاضل میان پیامبران الهی از امور انکارناشدنی است که قرآن کریم در آیاتی به آن اشاره کرده است (بقره: ۲۵۳). به روشنی از این آیات می‌توان دریافت که همه پیامبران الهی با اینکه از نظر نبوت و رسالت، همانند بودند از جهت مقام یکسان نبودند. زیرا هم شعاع مأموریت آنان متفاوت بوده، و هم میزان فداکاری‌های آنان با هم تفاوت داشته

است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/۲۵۲). رفیع بودن درجه برخی از انبیا نیز از امور مسلمی است که قرآن درباره آن سخن گفته است (بقره: ۲۵۳؛ یوسف: ۷۶؛ مریم: ۵۷). گرچه در تفسیر این آیات، به ویژه آیه تفضیل، سخنان متفاوتی از جانب مفسران عرضه شده، اما باید توجه داشت که این اختلاف آرا صرفاً مناقشات در تطبیق است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۲/۲-۳۱۳).

تمام گرایش‌های فکری امامیان بر اعتقاد به برتری پیامبر اکرم (ص) اتفاق نظر دارند. باور به افضلیت پیامبر (ص) در نوشته‌های شیخ مفید به خوبی قابل پیگیری است (مفید، ۱۴۱۳ ب: ۳۴؛ همو، ۱۴۱۳ ج: ۲۰). وی با به‌کارگیری استدلال‌های عقلی، زبان‌شناسی و لغت در تبیین معارف دین دیدگاه‌های خویش را در این خصوص عرضه کرده است. شیخ مفید در پاسخ به پرسشی که در آن از الحاق حضرت رسول اکرم (ص) به ابراهیم (ع) در صلوات سخن به میان آمده و موجب گمان برتری ابراهیم (ع) بر ایشان شده است می‌گوید الحاق پیامبر (ص) به ابراهیم و آل ابراهیم در صلوات به این معنا نیست که پیامبر اکرم (ص) را به درجه وی برسانیم، بلکه مراد آن است که از خداوند می‌خواهیم آن تعظیم و تکریمی که پیامبر (ص) مستحق آن است به وی ارزانی دارد. همچنان که نسبت به ابراهیم نیز این‌گونه عمل کرد. شیخ مفید می‌افزاید این‌گونه سخن گفتن در عرف متداول است؛ مانند آنکه به شخصی که قبلاً به بنده خود احسان کرده است بگویم: «به فرزندان احسان کن، همان‌گونه که به بنده خود احسان کردی» (همو، ۱۴۱۳ ب: ۲۹-۳۰). در واقع مفهوم و مراد از این سخن در عرف هم‌شان کردن بنده با فرزندان نیست، بلکه فقط درخواست احسان کردن به آنان است.

شیخ مفید در جایی دیگر، که مسئله سیادت حضرت یحیی بر اساس روایتی از پیامبر (ص) مطرح شده، می‌گوید بر فرض صحت چنین روایتی باید آن را حمل بر سیادت حضرت یحیی بر امت خود کرد نه بر تمام پیامبران (همان: ۴۰). شیخ طوسی نیز به پیروی از برخی معتزله، مانند ابوهاشم و ابوعلی جبایی، تعبدنکردن پیامبر اکرم (ص) به شریعت پیامبران پیشین را دلیل محکمی بر برتری ایشان قلمداد کرده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۲/۵۹۰-۵۹۴).

عالمان نص‌گرا عمدتاً با استدلال به روایاتی که بعضاً ناظر به تفسیر برخی آیات قرآن کریم است مسئله افضلیت پیامبر اکرم (ص) بر سایر پیامبران را مطرح کرده‌اند.

بررسی منزلت انبیا و ائمه (ع) از منظر سه فرقه شیعی امامیه، زیدیه، و اسماعیلیه / ۷۷

شیخ صدوق در کتاب **الاعتقادات** خویش باور به این امر را که خداوند کسی را برتر از حضرت محمد (ص) نیافریده است از ضروریات مذهب امامیه برشمرده است. وی بعثت پیامبر اکرم (ص) در عالم ذر برای سایر پیامبران و همچنین سبقت گرفتن ایشان از سایرین در شهادت دادن به ربوبیت خداوند را مایه تفضیل و برتری و علو منزلت وی قلمداد می‌کند (صدوق، ۱۴۱۴: ۹۳). در تفاسیر روایی، مانند **البرهان و نور الثقلین** نیز، با استشهاد به روایاتی ذیل آیه میثاق، علت تفضیل پیامبر (ص) را سبقت آن حضرت در اجابت به «الست برکم» در آن نشئه دانسته است (بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۰۶۲؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۹۴/۲).

در هر صورت، استناد به آیه تفضیل از مواردی است که علمای امامی برای اثبات برتری خاتم الانبیا (ص) به آن تمسک جسته‌اند. در کنار این آیه شریفه، آیات دیگری نیز وجود دارد که در این خصوص به آنها استشهاد شده است، از جمله: برتری آن حضرت به دلیل بعثت برای تمام انسان‌ها (سبأ: ۲۸)؛ رحمت برای تمام جهانیان (انبیاء: ۱۰۷)؛ خاتم‌بودن (احزاب: ۴۰)؛ داشتن کتابی مافوق تمامی کتب آسمانی که بیانگر هر چیز است (مانده: ۴۸)؛ و اختصاص آن حضرت به دینی که از عهده تأمین تمامی مصالح دنیا و آخرت بشر برمی‌آید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۲/۲-۳۱۳)؛ گواه‌بودن بر همه پیامبران (نساء: ۴۱) در حالی که هر پیامبری گواه امت خویش است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۳۷)؛ و در نهایت وصف امت پیامبر (ص) در قرآن به بهترین امت‌ها (آل عمران: ۱۱۰) که نتیجه آن بالضروره برتری پیامبر (ص) بر همگان است (شیخ طوسی، بی‌تا: ۲۱۰/۱).

در میان عرفای امامی سید حیدر آملی معتقد است افضلیت پیامبر خاتم (ص) و همچنین تفاضل سایر پیامبران بر یکدیگر بر اساس فضیلت‌های حقیقی و عینی بوده و از تفاوت رتبه مقام ولایت آنان نشئت گرفته است. در واقع، همان‌گونه که پیامبران در مقام‌های مختلفی با هم تفاوت دارند ریشه فضیلت انبیا بر یکدیگر و تفاوت در رتبه نبوت آنان بر معیار تفاوت رتبه مقام ولایت آنان استوار است؛ چراکه اساساً مقام رسالت و نبوت متکی بر مقام ولایت است و بدون آن محقق نمی‌شود. بنابراین، تفاوت‌ها در منزلت و تفاضل مقامات پیامبران (ع)، که در قرآن نیز به آن اشاره شده، تماماً بر مدار تفاوت در مقام ولایت است (آملی، ۱۴۲۲: ۱۵۳/۱).

سید حیدر آملی در عبارت دیگری می‌گوید خداوند، پیامبر (ص) را از آن‌رو که مظهر بالفعل جمیع است بر تمام انبیا و رسل برتری داد و او را بالفعل خاتم تمام انبیا گردانید، چنان‌که او را در نبوت بالقوه بر دیگران پیشی داد؛ چراکه پیامبر اکرم فرمود: «كنت نبیا و آدم بین الماء والطین؛ من نبی بودم در حالی که آدم بین آب و گل بود»؛ و همچنین فرمود: «انی اولهم خلقا و آخرهم بعثا؛ اولین مخلوق از میان آنان و آخرین فرستاده من هستم» (همان: ۴۵۰/۲-۴۵۱). از این‌رو افضلیت پیامبر بر سایر پیامبران (ص) نیز بر مبنای باور متکی بر نقل است، که عمدتاً مستند به روایاتی است که در آنها از نور پیامبر (ص) و خلقت ایشان و عالم ذر سخن رفته است. در اینجا نیز مسئله تفضل و کرامت، که پیش‌تر به آن اشاره شد، آثار خود را نمایان می‌کند. در مقابل، تفکر عقل‌گرا قرار دارد که با وجود اذعان به این اخبار، ادله ملموس‌تری را، که عموماً در مقام مقایسه میان پیامبر (ص) و سایر انبیا مطرح است، اقامه کرده و آنها را دلیلی بر افضلیت ایشان قلمداد می‌کند.

۲. منزلت ائمه (ع) از نگاه امامیه

عالمان امامی در خصوص منزلت ائمه اطهار (ع) دیدگاه‌های متفاوتی داشته‌اند. شیخ مفید دیدگاه‌های مشهور امامیه را در کتاب **اوانل المقالات** چنین برشمرده است؛ گروه اول معتقدند ائمه اطهار (ع) بر تمام پیامبران الهی به جز خاتم‌الانبیا فضیلت دارند؛ گروه دوم در برتری دادن ائمه (ع) بر پیامبران، اولوالعزم آنها را استثنا می‌کنند؛ و در نهایت سومین گروه از امامیان معتقدند انبیا به طور کلی بر ائمه معصوم (ع) برتری دارند (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۷۰). مانند این تقسیم‌بندی را اشعری نیز در **مقالات الاسلامیین**، با اندکی تفاوت، ذیل اعتقادات روافض ذکر کرده است (اشعری، ۱۴۰۰: ۴۷). نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه داشت این است که در باور بیشتر امامیه تفاوت‌هایی میان رسول و نبی گذاشته شده است (سبحانی، ۱۴۱۲: ۳/۴۹۰). این مسئله خود می‌تواند یکی از علل تفاوت آرای یادشده باشد.

شیخ مفید با گزارش چنین نگاهی در میان امامیه معتقد است موضوع منزلت ائمه (ع) موضوعی است که مجالی برای رد و قبول عقلی در آن نیست؛ چنان‌که بر هیچ یک

بررسی منزلت انبیا و ائمه (ع) از منظر سه فرقه شیعی امامیه، زیدیه، و اسماعیلیه / ۷۹

از دیدگاه‌های مطرح شده نیز اجماعی صورت نگرفته است (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۷۱). وی با ترجیح رأی گروه اول می‌گوید در آثار و اخباری که از نبی اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در خصوص حضرت علی (ع) و ذریه او آمده است، و همچنین با توجه به آیاتی از قرآن کریم سخن دسته اول تقویت می‌شود، که قائل به برتری امامان (ع) بر پیامبران، به استثنای حضرت خاتم رسل، هستند (همان). بررسی منابع روایی و تفسیری امامیه این سخن شیخ مفید را تقویت می‌کند (قمی، ۱۳۶۳: ۲۴۷/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۸/۲۶-۲۷۰). در نهایت شیخ مفید با آوردن عبارت «و انا اناظر فیه» (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۷۱) در پایان سخنش گویا به یقین قطعی و کافی در این خصوص نرسیده است و همچنان این مسئله را تأمل برانگیز می‌داند. اما با این همه، برخلاف رویه‌ای که وی در باب بیان روایات اعتقادی دارد، باب استدلال عقلی درباره این مسئله را نگشوده و به سادگی از کنار آن گذشته است. این امر می‌تواند گویای متعهدبودن شیخ مفید به نقل و تقدیم آن بر عقل باشد.

عبدالجلیل قزوینی (متوفای ۵۸۵ ه.ق.) در کتاب نقض، باور گروه دوم، که ائمه (ع) را افضل از انبیا به استثنای اولوالعزم قلمداد کرده‌اند، نشانگر شیعیان اصولی می‌داند و می‌گوید مذهب شیعه اصولیه آن است که هر یک از انبیای کبار بهترند از امیرالمؤمنین (ع) که ایشان هم نص‌اند و هم معصوم، و ایشان اصحاب وحی خداوندند و او را این درجه نیست (قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۱۸). گویا قزوینی در مقام دفاع از شیعه و رفع اتهام از آنان و نشان دادن شیعیان راست‌کیش، فارغ از روایاتی که شیخ مفید درباره آنها نظر داده است سخن برخی متکلمان در این خصوص را مناسب‌تر یافته است.

فاضل مقداد با اشاره به دیدگاه‌های فوق و توقف شیخ مفید در این موضوع دیدگاه دیگری را بر دیدگاه‌های فوق می‌افزاید. او معتقد است منزلت حضرت علی (ع) بی‌شک از تمام پیامبران، به جز خاتم‌الانبیا، فزون‌تر است، اما سایر ائمه (ع) این‌گونه نیستند و فضیلت انبیای اولوالعزم از آنان بیشتر است (سیوری حلی، ۱۴۲۰: ۱۶۹).

با توجه به سخن فاضل مقداد روشن می‌شود علاوه بر تقسیم شیخ مفید از آرای امامیه در خصوص منزلت ائمه (ع) قول چهارمی نیز وجود دارد که در این مسئله میان حضرت علی (ع) و سایر ائمه تفاوت قائل شده است. گویا منشأ این تفاوت به توصیف

آن حضرت به عنوان نفس پیامبر (ص) بازگشته تا زمینه چنین باوری را به وجود آورد. از این رو سایر امامان به دلیل فقدان همین ویژگی است که در مراتبی پایین تر از اولوالعزم معرفی شده‌اند.

بر اساس دیدگاه‌های ذکر شده به روشنی می‌توان دریافت که عالمان امامی در مقایسه میان ائمه (ع) و ملائکه چه دیدگاهی دارند. شیخ مفید مفاضله میان ائمه و ملائکه را مانند سخن در مفاضله میان ائمه و پیامبران می‌داند. در نهایت، وی معتقد است باقی ملائکه (غیر از انبیا و رسل) هرچند منزلت و مقامی والا داشته باشند، ائمه آل محمد از آنان برترند و ثواب و پاداشی فزون تر نزد خداوند دارند (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۷۱).

علامه حلی بدون اشاره به هیچ تفاوتی میان ملائکه دلایلی را بر افضلیت ائمه (ع) بر آنان مطرح کرده است. او نخست از منظر عقلی وجود مشقت در طاعت با وجود معارض را محکم‌ترین دلیل بر برتری ائمه (ع) بر ملائکه دانسته است. در عبارتی دیگر، با استشهاد به آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۲۰۰) مراد از آل ابراهیم را ائمه معصوم دانسته که خداوند آنان را بر جهانیان برتری بخشیده است. همچنین، در تبیین «انفسنا و انفسکم» در آیه مباحله می‌گوید مراد از «انفسنا» کسی جز حضرت علی (ع) نیست و مساوی افضل قطعاً افضل است. از سوی دیگر، خطاب پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) که «یا علی انا منک و انت منی» خود دلیل گویایی بر برتری حضرت علی (ع) بر ملائکه است (حلی، ۱۴۱۵: ۴۸۳). مانند این استدلال‌ها را فاضل مقداد نیز با کمی تفاوت، در برتری ائمه (ع) بر ملائکه مطرح کرده است (سیوری حلی، ۱۴۲۲: ۳۴۶).

همان‌گونه که پیش تر اشاره شد، در تفکر مبتنی بر نص‌گرایی، ائمه (ع) برتری ویژه‌ای دارند. از این رو است که شیخ صدوق از منظر عالمی متعهد به نقل و با به‌کارگیری حدیث در بیان معارف دین، وجود جمیع مخلوقات خداوند را به طور کلی مبتنی بر وجود ذوات مقدس معصومان (ع) می‌داند. وی می‌گوید اگر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نبودند خداوند هیچ یک از زمین و آسمان، بهشت و جهنم، آدم، حوا و ملائکه را نمی‌آفرید (صدوق، ۱۴۱۴: ۹۳).

بررسی منزلت انبیا و ائمه (ع) از منظر سه فرقه شیعی امامیه، زیدیه، و اسماعیلیه / ۸۱

در واقع، منشأ اختلاف و گوناگونی آرای امامیه در خصوص منزلت ائمه (ع) به باور هر یک از گروه‌ها راجع به حقیقت ائمه باز می‌گردد که می‌توان آنها را در دو رویکرد ارزیابی کرد؛ رویکرد حداکثری به ائمه که عموماً مبتنی بر باورهایی برگرفته از برخی روایات طینت است که در آنها پیامبر (ص) و ائمه (ع) از نوری واحد دانسته شده‌اند و خلقت آنان قبل از خلقت آدم صورت گرفته است (مغربی، ۱۴۰۹: ۲۲۰/۱). طبیعی است که منزلت، شرافت و فضیلت آنان با عنایت به این باور بسان پیامبر (ص)، والاتر از سایر مخلوقات اعم از انبیا و ملائکه دیده شوند. در رویکرد حداقلی، فارغ از آن اخبار، بیشتر جنبه‌های بشری و فضیلت‌های علمی، عملی و معنوی آنان در نظر گرفته شده است. لذا در رتبه‌بندی، ائمه (ع) گاهی در مراتب بعد از انبیای اولوالعزم معرفی شده‌اند، همان‌گونه که صاحب نقض از آن به عنوان باور شیعه اصولی یاد می‌کند؛ و گاهی هم تمام انبیا بر آنان مقدم دانسته شده‌اند؛ چنان‌که شیخ مفید این باور را متوجه متکلمان امامی کرده است (مفید، ۱۴۱۳ ج: ۱۹).

۳. منزلت پیامبران از نگاه زیدیه

در سخنان بسیاری از اندیشمندان این گروه، ملائکه مقامی فزون‌تر از انبیا دارند. امام هادی الی‌الحق، مؤسس زیدیه یمن، دلیل اساسی تفضیل ملائکه بر انبیا را برتری ملائکه در طاعات می‌پندارد. او معتقد است ملائکه مانند پیامبران مکلف و مأمور و منهی هستند و مانند آنان مختار در اطاعت و معصیت‌اند. همچنین، ملائکه، برخلاف دیگران، به طور مداوم و مستمر و بدون هیچ وقفه‌ای به عبادت و اطاعت خداوند مشغول‌اند. از این‌رو آنان در عبادت و اعمال افضل از دیگران هستند. وی پشتوانه مدعای خود را آیه ۲۰ سوره انبیا^۱ می‌داند که در آن اختلاف میان ملائکه و سایرین در دوام عبادات و اطاعت و ... به‌خوبی آشکار است.

هادی الی‌الحق با استشهاد به آیه ۱۷۲ سوره نساء^۲ معتقد است ذکر ملائکه بعد از مسیح در استنکاف‌نکردن از بندگی خداوند دلیل دیگری در فضیلت ملائکه و برتری منزلت آنان است؛ چراکه اگر غیر از این بود می‌بایست ملائکه در آیه مقدم بر مسیح ذکر می‌شد (هادی الی‌الحق، ۱۴۲۱: ۵۷۶). اما منصور بالله علت برتری ملائکه بر انبیا را

عصمت آنان از گناهان صغیره می‌داند و معتقد است این ویژگی است که آنان را از پیامبران متمایز می‌کند (منصور بالله، ۱۴۲۲: ۱/۳۶۰)؛ چراکه از نگاه زیدیه و معتزله صدور گناه صغیره به گونه‌ای از پیامبران ممکن شمرده شده است (مانکدیم، ۱۴۲۲: ۳۸۸؛ شرفی، ۱۴۱۵: ۲/۲۱؛ منصور بالله، ۱۴۲۱: ۱۱۸). به علاوه، در جهان‌شناسی زیدیه عقول ملائکه در مرتبه بالاتری از عقول پیامبران و سایر مخلوقات قرار داده شده است (قاسمی، ۱۴۲۴: ۲۰۲ و ۴۲۱؛ شرفی، ۱۴۱۱: ۱/۱۲۰)، ضمن اینکه در این تفکر حتی ثواب و پاداش کمترین ملائکه از ثواب بافضیلت‌ترین انبیای الهی فزون‌تر به شمار آمده است (شرفی، ۱۴۱۵: ۲/۲۰).

تفاضل میان انبیا از مسائلی است که زیدیان نیز به آن قائل‌اند (عیانی، ۱۴۲۳: ۶۰). بر این اساس، عموم زیدیان قائل به افضلیت پیامبر (ص) هستند. آنان معتقدند خاتم‌الانبیا (ص) بافضیلت‌ترین انسان‌ها، و کامل‌ترین آنان از جهت دیانت و عقل است (قاسمی، ۱۴۲۴: ۲۰۲؛ شرفی، ۱۴۱۱: ۱/۱۲۰). حسین بن بدرالدین (متوفای ۶۶۳ ه.ق.) در **ینابیع النبیة فی العقائد الصدیة**، اثری که مؤلف در آن اصول عقاید و پاره‌ای مسائل شرعی را بر اساس مذهب زیدیه بیان کرده، افضلیت پیامبر (ص) بر سایر پیامبران الهی، به ویژه پیامبران اولوالعزم را با استشهاد به روایاتی از پیامبر اکرم (ص) مطرح کرده است (ابن‌بدرالدین، ۱۴۲۲: ۳۰۶-۳۱۵).

البته میان زیدیان کسانی را می‌یابیم که ورود به مباحث تفضیل میان پیامبران را منع کرده‌اند. شوکانی ذیل تفسیر آیه تفضیل با مطرح کردن اختلاف و مناقشات میان برخی عالمان در مسئله جواز تفضیل پیامبر (ص) بر سایرین به جهت ورود اخبار منع از تفضیل از ناحیه پیامبر اکرم (ص) و تعارض این اخبار با آیاتی از قرآن کریم در این خصوص، معتقد است مسئله تفضیل میان انبیا امری مسلم است، اما این امر مستلزم آن نیست که ما هم مجاز باشیم انبیا را با تفسیر به رأی بر یکدیگر برتری دهیم (شوکانی، ۱۴۱۴: ۱/۳۰۸). از منظر وی، اموری که موجب تفضیل انبیا بر یکدیگر است فقط نزد خداوند معلوم و روشن است و بشر بر آن احاطه ندارد. از طرف دیگر، با وجود آیات تفضیل در قرآن اخباری نیز در نهی از تفضیل وارد شده است (همان) که باید به آن ملتزم بود. وی اعتقاد برخی ائمه تفسیر به این نکته را که مراد از «رفع بعضهم» در آیه

بررسی منزلت انبیا و ائمه (ع) از منظر سه فرقه شیعی امامیه، زیدیه، و اسماعیلیه / ۸۳

۲۵ سوره بقره، پیامبر اکرم (ص) است تفسیر به رأی و دستاویز قراردادن تفضیل میان انبیا دانسته که هر دو امر منهی عنه شمرده شده است (همان: ۳۰۹). شوکانی به دلیل گرایش آشکارش به سلفیه در تبیین مسائل کلامی همواره برخلاف سنت زیدی و تفکر اعتزالی عمل کرده، و از دخالت دادن تبیین و تفسیرهای عقلی در این مسئله پرهیز داده است.

منصور بالله مدعی است فرقه مطرفیه تفضیل میان خلق را در هیچ چیزی نپذیرفته‌اند و قائل به مساوات میان آنان هستند (منصور بالله، ۱۴۲۲: ۱/۴۷۵). لاجرم لازمه این سخن انکار تفضیل میان انبیا است. پیش از این، ضرار بن عمر، از شیوخ معتزله، که در برخی مسائل با آنان اظهار مخالفت کرد و به مخالفانشان پیوست (زرکلی، ۱۹۸۹: ۳/۲۱۵) قائل به یکسانی درجات انبیا (حسنی رازی، ۱۳۶۴: ۲۰۷) یا جایز نبودن تفضیل میان آنان بود (بغدادی، ۲۰۰۳: ۲۳۶).

ملاحظه می‌شود که میان امامیه و زیدیه در مسئله تفضیل اختلاف نظر جدی وجود دارد. منشأ این اختلاف عمدتاً به رویکرد عقل‌گرایانه زیدیه در این مسئله، که متأثر از معتزله است، باز می‌گردد. در تفکر اعتزالی، ملائکه اشرف مخلوقات هستند و بعد از آنان انبیا و سایر مخلوقات قرار می‌گیرند (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۵۰). می‌توان گفت مهم‌ترین دلیل این اختلاف به خلقت ملائکه باز می‌گردد. ملائکه، از نگاه عقل‌گرایان معتزلی، جواهری روحانی و نورانی در جوار پروردگارند که مبادی تمام موجودات هستند. آنان دائماً در حال تنعم و التذاذ از اموری هستند که از عالم قدسی و نور ربانی مشاهده و دریافت می‌کنند. برخلاف آنها، انبیا اجسامی هستند ظلمانی و فانی، که معلول ملائکه‌اند. آنان اغلب دچار غفلت، غضب، شهوت، بیماری و ... هستند که مانعی برای کمالات محسوب می‌شود. لذا از ملائکه ناقص‌ترند (آمدی، ۱۴۲۳: ۴/۲۲۷). توجه به مسئله خلقت در اینجا یادآور استدلال امامیان نقل‌گرا در برتری بخشیدن به پیامبر (ص) و امامان (ع) بر سایرین با استدلالی قریب به این مضمون است که بر اساس روایات، طینت و خلقت پیامبر (ص) و امامان (ع) از نور است.

دیگر اینکه در تفکر اعتزالی ملائکه برخلاف انبیا همواره معصوم‌اند. عقل نیز به این امر حکم می‌کند که در تفاضل، جانبی که پیوسته متصف به این ویژگی است افضل

است و مجالی برای مناقشه باقی نمی‌ماند. اما در مسئله تفضیل پیامبر (ص) بر سایر پیامبران، عموماً مانند امامیه حکم به برتری و افضلیت ایشان داده‌اند، هرچند در گرایش سنی زیدیه با تأمل به این مسئله نگریده شده است.

۴. منزلت ائمه از نگاه زیدیه

در تفکر زیدیه تفاوت چندانی میان خلیفه و امام دیده نمی‌شود. آنان معتقدند امام از جایگاه مقدس و تعظیم ذاتی برخوردار نیست. در واقع، امامت در نگاه اغلب زیدیه هویتی سیاسی دارد (فضیل، ۱۴۰۵: ۹۰-۹۱). این سخن در تبیین منزلت امام بسیار کلیدی است. در جهان‌شناسی زیدیه، ملائکه در مرتبه نخست، انبیا در مرتبه دوم، اوصیا در مرتبه سوم هستند، و پس از آنان ائمه قرار دارند (قاسمی، ۱۴۲۴: ۲۰۲). اشعری با اندکی تفاوت این دیدگاه زیدیه را گزارش کرده است (اشعری، ۱۴۰۰: ۴۸). زیدیان، برخلاف امامیه، معتقدند انبیا به طور عام همواره برتر از ائمه هستند (عیانی، ۱۴۲۳: ۶۰). از این رو است که در این باب بر امامیه تشنیع زده‌اند و با تمسک به روایتی از حضرت علی (ع) معتقدند هر کس به برتری ائمه (ع) بر انبیا معتقد باشد به هلاکت افتاده است (هندی نیشابوری، ۱۳۶۶: ۲۰/۲۱).

البته باید اشاره کرد که گروهی به نام حسینیه با اندیشه‌ای متفاوت از تفکر غالب زیدیه در دوره‌ای از حیات فکری و عقیدتی آنان ظهور کرده که ویژگی‌هایی برای امام خود قائل شده‌اند که بیشتر رنگی غلوآمیز داشت. آنان صرف نظر از اغراق‌هایی که در برخی باورها راجع به امام خود حسین بن قاسم داشتند، وی را بدون هیچ استثنایی برتر از تمام پیامبران قلمداد می‌کردند (ابن سلیمان، ۱۴۲۴، ۴۹۱-۴۹۶ و ۵۳۴). البته زیدیان، همواره این اندیشه را به شدت نقد کرده‌اند. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که هرچند زیدیه شروط و صفات خاصی برای امام قائل‌اند، این شروط و صفات لزوماً به منزله تلقی مقامی فرازمینی برای امام نیست و صرفاً ملاک‌گزینش امام به شمار می‌آید. در نهایت نگاه زیدیه به منزلت امام را می‌توان مانند گروهی از متکلمان امامیه دانست که جایگاه آنان را پایین‌تر از تمام انبیا می‌دانستند.

۵. منزلت پیامبران از نگاه اسماعیلیه

اسماعیلیه همواره از راه تأویل، همه اصول و احکام شرعی و رسوم اسلامی را تعبیر باطنی می‌کردند (دفتری، ۱۳۸۶: ۴۴۴). از این رو معاصران اسماعیلیان، آنجا که بر وجه اهانت آنها را ملاحظه نمی‌خواندند، معمولاً قرمطی یا باطنی خطابشان می‌کردند (همان: ۱۱۱). در جهان‌شناسی اسماعیلیان، ملائکه در درجه نخست عالم قرار می‌گیرند و منزلت والایی دارند تا جایی که بشر توان راه‌یابی به آن را ندارد. ملائکه به دلیل نوع خلقت از عالم مادی پنهان و محجوب‌اند و به طور طبیعی کسی نمی‌تواند با آنان ارتباط برقرار کند، مگر آنکه خویشتن را به منزلتی و کمالی بسان پیامبران برساند. در این زمان است که حجاب فراروی او کشف خواهد شد (ابن‌ولید، ۱۴۰۳: ۴۵). از این رو می‌توان گفت منزلت ملائکه در این جهان‌بینی فراتر از منزلت انبیا دانسته شده است. از منظر اسماعیلیان، پیامبران، که حائز مرتبه رسالت شده‌اند، در بالاترین مقامات و منزلت در جهان قرار دارند. به گونه‌ای که سزاوار نیست کسی کمالی فراتر از آنان داشته باشد و هیچ علمی نباید از آنان پوشیده باشد. در واقع، سعادت‌مندی اهل یک دور اقتضای چنین ویژگی‌ای را برای هر رسول دارد (همان: ۵۷).

این فرقه شیعی در تعریفی که از رسول و نبی دارند، رسولان را برتر از انبیا می‌دانند. از میان رسولان نیز صاحبان شریعت، یعنی اولوالعزم، بر سایرین تفوق دارند. در این میان، منزلت خاتم‌الانبیا برتر از تمام انبیا و رسل دانسته شده است (حسنی رازی، ۱۳۶۴: ۲۳۱). علی بن ولید با استناد به آیاتی از قرآن بر افضلیت پیامبر (ص) استدلال کرده است. وی خطاب خداوند به پیامبران با نام، و خطاب به خاتم‌الانبیا (ص) با واژه «یا ایها النبی» را فرض محبت اهل بیت (ع) در تأدیه اجر رسالت، سلام خداوند بر اهل بیت پیامبر (ص)، نسخ‌نشدن شریعت، قرارگرفتن مقام امامت در ذریه ایشان، برخوردارگی از اذن شفاعت و در نهایت ماندگاری معجزه خاتم‌الانبیا را دلایلی محکم بر فضیلت پیامبر بر سایر انبیا و رسل می‌داند (ابن‌ولید، ۱۴۰۳: ۵۹-۶۰).

۶. منزلت ائمه از نگاه اسماعیلیه

مقام و منزلت امام از نظر گروه‌های مختلف اسماعیلیه یکسان نیست و با فراز و فرودهایی همراه است. گاه تا جایی پیش می‌رود که مقام امام، به مانند نگاه گروهی از امامیه، فراتر از انبیای اولوالعزم پیش می‌رود. اما آنچه مسلم است امام به لحاظ برخورداری از مقام تشریحی و تکوینی در باور اسماعیلیان نقشی اساسی دارد. در باورهای اسماعیلیان پس از پیامبر با دو مقام روبه‌رو هستیم؛ نخست مقام وصایت و دیگری مقام امامت. در نگاه اسماعیلیان، صاحب وصایت یا وصی برترین فرد در هر دور پس از نبی است؛ چراکه جوهر وصی متصل به جوهر نبی و کمالش مشتق از کمال او و تمام رموز و اسرار و باطن شریعت و دین از طریق نبی در اختیار او قرار داده شده است (همان: ۶۵).

امامت در میان اسماعیلیان به معنای وراثت نبی و وصی است. امام کسی است که ظواهر و احکام دین را از نبی به ارث می‌برد و از سوی دیگر معانی و باطن دین را، که وصی از نبی به ارث برده است، نیز از او به ارث می‌برد (همان: ۶۷-۶۸). امام در باور اسماعیلیان خلیفه منصوب از جانب خدا بر روی زمین است تا میان خلق و حکومت داوری کند. او وارث زمین و تصرف‌کننده در احکام است (همان: ۷۰). بر اساس این دیدگاه، باید گفت امام افضل از نبی و وصی است؛ چراکه وی صاحب دو منقبت هم‌زمان است؛ یعنی در واقع ظاهر و باطن شریعت در یک جا در او جمع شده است. در این نگاه، فقط انبیایی استثنا می‌شوند که علاوه بر نبوت از مقام رسالت نیز برخوردار باشند (سبحانی، بی تا: ۲۱۵/۸).

اساساً امام در نظام آفرینش در نگاه باطنیان اسماعیلی جایگاهی بس والا دارد. او به تعبیری مرکز آسمان‌ها و قطب زمین است و برپایی نظام هستی در گرو وجود او است. استمرار و بقای عالم و روح هر متحرک و ساکنی به او وابسته است. در واقع، نقش امام در عالم هستی به مثابه نقش قلب یا عقل در وجود انسان است. می‌توان گفت اسماعیلیان در این نگاه بسیار به تفکر نقل‌گرا و عرفانی امامیه نزدیک‌اند، هرچند در این زمینه تفاوت‌هایی هم وجود دارد. این مسئله ناشی از نگاه فرازمینی به پیامبر و امام است؛ مسئله‌ای که در زبده و گروهی از امامیه، که پیش‌تر به آنها اشاره شد، دیده نمی‌شود.

نتیجه

حاصل بررسی دیدگاه‌های مذاهب شیعی در خصوص منزلت پیامبران و ائمه حکایت از وجود اختلاف نظر جدی میان آنان دارد. اساساً امامیه با تمام گرایش‌های خود، اعم از عقل‌گرایان، نقل‌گرایان و عرفا، بر فضیلت پیامبران بر سایر مخلوقات در جهان هستی اذعان دارند. در این میان، خاتم‌الانبیاء، در تفضیل میان انبیا، جایگاه رفیع‌تری دارد. با وجود اختلاف نظر میان امامیان در خصوص جایگاه ائمه (ع) می‌توان به این نتیجه دست یافت که نظر اغلب آنان افضلیت ائمه (ع) بر تمام مخلوقات، به جز خاتم‌الانبیاء، است. نکته‌ای که در اینجا جالب به نظر می‌آید همراهی عقل‌گرایانی همچون شیخ مفید با این باور است؛ گویا حتی عقل‌گرایان امامی در به‌کارگیری عقل حدود و ثغوری را مراعات کرده‌اند و در موضوعی این‌چنینی خود را به نقل پایبندتر نشان داده‌اند. می‌توان گفت اغلب متکلمان شیعی نیز در مواجهه با این مسئله بیش از هر چیز به روایات واردشده در این خصوص متعبد بوده‌اند و در آثارشان به این امر اذعان کرده‌اند.

مسئله تفاضل در اندیشه زیدیه به شدت عقل‌گرایانه است و اساساً منزلت‌ها به شکل طولی از عالم بالا به جهان فرودست امتداد می‌یابد. این مسئله در تبیین منزلت پیامبران به خوبی روشن است. در این میان، زیدیه هرچند برای امامان خود صفات و حتی کراماتی نقل کرده‌اند، اما همواره مانند معتزله برای آنان جایگاهی فرازمینی قائل نشده‌اند و به ویژگی سیاسی امام بیشتر توجه داشته‌اند.

برخلاف زیدیه، اندیشه محوری اسماعیلیه بر مسئله امامت استوار است، هرچند این فرقه برای انبیا جایگاه ویژه‌ای در عالم خلقت قائل‌اند و مرتبه امام را پس از آنان قلمداد می‌کنند، اما توجه به امام در نگاهی دیگر با توجه به نقشی که امام در عالم هستی بر عهده دارد می‌تواند مرتبه‌ای بس مهم‌تر از انبیا را برای وی فراروی ما قرار دهد. از این رو می‌توان گفت به همان اندازه که اندیشه اسماعیلیان در مسئله تفضیل به امامیه نزدیک است اندیشه زیدیه در این مسئله با دیدگاه امامیه فاصله ملموس‌تری دارد.

پی نوشت ها

۱. وَ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ يَسْبُحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ (الأنبياء: ۲۰).
۲. لَنْ يَسْتَنْكَفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ (النساء: ۱۷۲).

منابع

قرآن کریم

- ابن بدر الدین، حسین (۱۴۲۲). *ینابیع النصیحة فی العقائد الصدیحة*، تحقیق: مرتضی محطوری، صنعاء: مكتبة البدر، الطبعة الثانية.
- ابن سلیمان، احمد (۱۴۲۴). *حقائق المعرفة*، تصحیح: حسن بن یحیی، صنعاء: مؤسسة الامام زید، الطبعة الاولى.
- ابن نوبخت، ابو اسحاق ابراهیم (۱۴۱۳). *الیاقوت فی علم الکلام*، تحقیق: علی اکبر ضیایی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
- ابن ولید، علی بن محمد (۱۴۰۳). *تاج العقائد و معدن الفوائد*، تحقیق: عارف تأمر، بیروت: مؤسسة عز الدین، الطبعة الثانية.
- استرآبادی، محمد جعفر (۱۳۸۲). *البراهین القاطعة فی شرح تجرید العقائد الساطعة*، تحقیق: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ج ۳.
- اشعری، ابو الحسن (۱۴۰۰). *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، آلمان – ویسبادن: فرانس شتاينر، چاپ سوم.
- آمدی، سیف الدین (۱۴۲۳). *ابکار الافکار*، تحقیق: احمد محمد مهدی، قاهره: دار الکتب، ج ۴.
- آملی، سید حیدر (۱۴۲۲). *تفسیر المحيط الأعظم*، تحقیق: سید محسن موسوی تبریزی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ج ۱-۳.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسه البعثة، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول، ج ۲.
- بغدادی، عبد القاهر (۲۰۰۳). *اصول الایمان*، تحقیق: ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
- حسنی رازی، مرتضی (۱۳۶۴). *تبصرة العوام فی معرفة مقالات الأنام*، تصحیح: عباس اقبال آشتیانی، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۶). *تاریخ علم کلام در ایران و جهان*، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۳). *أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت*، تحقیق: محمد نجمی زنجانی، قم: شریف رضی، چاپ دوم.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۵). *مناهج الیقین فی أصول الدین*، تحقیق: یعقوب جعفری، تهران: دار الاسوة، چاپ اول.
- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ج ۲.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۶). *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، تهران: نشر پژوهش فرزاد روز، چاپ پنجم.

زرکلی، خیر الدین (۱۹۸۹). *الاعلام*، بیروت: دار العلم للعالمین، الطبعة الثامنة، ج ۳.
سبحانی، جعفر (۱۴۱۲). *الالهیات علی هدی کتاب والسنة والعقل*، قم: المركز العالمی للدراسات
الاسلامیة، الطبعة الثالثة، ج ۳.

سبحانی، جعفر (۱۴۲۵). *رسائل و مقالات*، قم: مؤسسه امام صادق [ع]، چاپ دوم، ج ۴.
سبحانی، جعفر [بی تا]. *بحوث فی الملل والنحل*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، مؤسسه الامام
الصادق [ع]، ج ۶-۸.

سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۸۳). *تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن*، تهران: پژوهشگاه
فرهنگ و اندیشه، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۰). *الأنوار الجلیة فی شرح الفصول النصیریة*، تحقیق: علی
حاجی آبادی و عباس جلالی نیا، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة، الطبعة الاولى.

سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۲). *اللوامع الالهیة فی المباحث الكلامیة*، تحقیق و تعلیق:
شهید قاضی طباطبایی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.

شرفی، احمد بن محمد (۱۴۱۱). *شرح الأساس الكبير*، تحقیق: احمد عارف، صنعاء: دار الحکمة
الیمانیة، الطبعة الاولى، ج ۱.

شرفی، احمد بن محمد (۱۴۱۵). *عدة الأکیاس فی شرح معانی الأساس*، صنعاء: دار الحکمة الیمانیة،
الطبعة الاولى، ج ۲.

شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴). *فتح القدير*، دمشق/ بیروت: دار ابن کثیر / دار الکلم الطیب،
الطبعة الاولى، ج ۱.

صابری، حسین (۱۳۸۸). *تاریخ فرق اسلامی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ پنجم، ج ۲.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۴). *الاعتقادات*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، الطبعة الثانية.
طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: مکتبه النشر الاسلامی، الطبعة
الثانیة

ج ۲.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۶). *الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد*، بیروت: دار الاضواء، الطبعة الثانية.
طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). *العقائد الجعفریة*، قم: مکتبه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷). *العدة فی اصول الفقه*، قم: ستاره، چاپ اول، ج ۲.
طوسی، محمد بن حسن [بی تا]. *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار

احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، ج ۱.

طوسی، نصیر الدین (۱۴۰۷). *تجريد الاعتقاد*، تحقیق: حسینی جلالی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ
اول.

بررسی منزلت انبیا و ائمه (ع) از منظر سه فرقه شیعی امامیه، زیدیه، و اسماعیلیه / ۹۱

عمرجی، احمد شوقی (۱۴۲۰). *الحياة السياسية والفكرية للزيدية فى المشرق الاسلامى*. قاهره: مكتبة مدبولی، الطبعة الاولى.

عیانی، قاسم بن علی (۱۴۲۳). *مجموع كتب و رسائل عیانی*، تحقیق: عبدالکریم احمد جدبان، صعده: مكتبة التراث الاسلامی، الطبعة الاولى.

فرمانیان، مهدی (۱۳۸۷). *آشنایی با فرق تشیع*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول.
فضیل شرف الدین، علی بن عبد الکریم (۱۴۰۵). *الزيدية نظرية و تطبيق*، عمان: جمعیه المطابع التعاونية.

قاسمی، حمیدان (۱۴۲۴). *مجموع السيد حمیدان*، تحقیق: احمد حمزى و هادى حمزى و تقديم مجدالدین مؤیدی، صعده: مرکز أهل البيت للدراسات الاسلامیة، الطبعة الاولى.

قرزویی، عبدالجلیل (۱۳۵۸). *نقض معروف به بعض مقال النواصب فى نقض بعض فضاخ الروافض*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، چاپ اول.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتاب، الطبعة الثالثة، ج۱.

مادلونگ، ویلفرد (۱۳۸۱). *فرقه های اسلامى*، ترجمه: ابوالقاسم سرى، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم.

مانکدیم، قوام الدین (۱۴۲۲). *شرح الأصول الخمسة*، تعليق: احمد بن حسین ابی هاشم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثانية، ج۲۶.

مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵). *رسائل الشریف المرتضی*، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: دار القرآن الکریم، چاپ اول، ج۱.

مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۰). *الشافی فی الامامة*، تهران: مؤسسه الصادق [ع]، چاپ دوم، ج۳.

مرتضی، علی بن حسین (۱۹۹۸). *أمالی المرتضی*، قاهره: دار الفكر العربی، ج۲.

مشکور، محمد جواد (۱۳۷۲). *فرهنگ فرق اسلامى*، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم.

مغربی، نعمان بن محمد (۱۴۰۹). *شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام*، تحقیق: محمدحسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ج۱.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ الف). *أوانل المقالات فى المذاهب والمختارات*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، الطبعة الاولى.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ب). *المسائل العکبریة*، تحقیق: علی اکبر خراسانی، قم: دار المفید، چاپ اول.

مفيد، محمد بن محمد بن نعمان [١٤١٣ ج]. *تفضيل امير المؤمنين عليه السلام*، تحقيق: على موسى كعبی، قم: دار المفيد، الطبعة الاولى.

مكارم شيرازي، ناصر [١٣٧٤]. *تفسير نمونه*، تهران: دار الكتب الاسلامية، چاپ اول، ج ٢.
مكارم شيرازي، ناصر [١٣٨٣]. *آيات الولاية في القرآن*، قم: مدرسة الامام على بن ابي طالب [ع]، چاپ اول.

مكدر موت، مارتين [١٣٧٢]. *انديشه هاي كلامي شيخ مفيد*، ترجمه: احمد آرام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ملطی، ابن عبد الرحمن [١٤١٣]. *التنبيه والرد على أهل الأهواء والبدع*، تحقيق و تعليق: محمد زينهم، قاهره: مكتبة مدبولي، الطبعة الاولى.

منصور بالله، عبدالله بن حمزه [١٤٢٢]. *مجموع رسائل الامام المنصور بالله*، تحقيق: عبد السلام وجيه، صنعاء: مؤسسة الامام زيد بن علي، الطبعة الاولى، ج ١ و ٢.

منصور بالله، قاسم بن محمد بن علي [١٤٢١]. *الاساس لعقائد الاكياس*، تعليق: محمد قاسم عبد الله، صعده: مكتبة التراث الاسلامي، الطبعة الثالثة.

هادي الى الحق، يحيى بن حسين [١٤٢١]. *مجموع رسائل الامام الهادي الى الحق*، تحقيق: عبد الله شاذلي، تقديم: مجد الدين مويدي، صنعاء: مؤسسة الامام زيد بن علي، الطبعة الاولى.

هندي نيشابوري، ميرحامد حسين [١٣٦٦]. *عبيقات الأنوار في إمامة الأئمة الأطهار*، اصفهان: كتابخانه اميرالمؤمنين، چاپ دوم، ج ١٣.